

مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - تخصصی
سال دهم، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

شاخص‌ها و نشانه‌های امامت در مکتب رضوی

علی ربانی گلپایگانی *

چکیده

امامت در مکتب رضوی، منزلت بسیار والایی دارد؛ منزلتی که خداوند، آن را پس از مقام نبوت و خلت به ابراهیم علیه السلام عطا کرد. امام، خلیفه خدا و رسول خدا است و در فضایل و کمالات، یگانه روزگار خویش است. امام، از علم جامع و کامل برخوردار است؛ علمی که از طریق وراثت از پیامبر صلی الله علیه و آله و از الهام الهی دریافت کرده است و به وسیله آن در پاسخ به هیچ پرسشی فرو نخواهد ماند. امام از ویژگی عصمت برخوردار است و از خطای علمی و معصیت و لغزش عملی مصون است. امام، علاوه بر ولایت تشریحی، ولایت تکوینی نیز دارد و با اذن و مشیت الهی می‌تواند کارهای خارق العاده انجام دهد. راه تعیین و تشخیص امام، نصب و نص الهی و شرعی است؛ زیرا افراد بشر از شناخت مقام و منزلت و صفات امامت ناتوانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند امامت را پس از خود به امیرالمؤمنین علیه السلام سپرد و عهد امامت تا قیامت به نسل معصوم او اختصاص یافته است.

کلید واژه‌ها: امام رضا علیه السلام، امامت، شاخص‌های امامت، نشانه‌های امام.

مقدمه

امامت در بینش اسلامی، جایگاه بسیار والایی دارد، پیشوایی که انسان در دنیا برمی‌گزیند، مسیر سعادت یا شقاوت آخرتی او را مشخص می‌کند. بر این اساس است که خداوند فرموده است: روز قیامت، انسان‌ها را به پیشوایانشان فرا می-

*. استاد حوزه علمیه قم.

خوانیم: ﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾ (اسراء: ۷۸) در حدیثی که امام رضا علیه السلام از طریق پدران گرامی‌اش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده، آمده است: «روز قیامت، هر گروهی را با امام زمان، کتاب آسمانی و سنت پیامبرشان فرا می‌خوانند». (عروسی حویزی، ج ۳، ص ۱۹۰)

امام در این روایت، به امام حق، اختصاص یافته است؛ ولی می‌توان گفت این روایت از باب تطبیق امام بر مصداق اصیل آن است، و مفاد آیه، امام باطل را نیز شامل می‌شود؛ چنان‌که در آیات دیگر قرآن، هم از امامان حق یاد شده است: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳) و هم از امامان باطل: ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ﴾ (توبه: ۱۲)

امامت در بینش اسلامی از چنان جایگاه بلندی برخوردار است که در حدیث نبوی مشهور و متواتر آمده است: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة.»^۱ تا آنجا که در برخی کتاب‌های کلامی اهل سنت به صورت ارسال مسلم تلقی شده است.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام امامان حق را مدبران خلق و ناظران و پیشوایان مردم دانسته است که معرفت و تصدیق آنان سبب رستگاری و راه‌یابی به بهشت و نشناختن و تکذیب آنان سبب گمراهی و سقوط در دوزخ خواهد بود.^۳

ابن ابی الحدید این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را ناظر به آیه ﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ

۱. مضمون این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت به صورت متواتر نقل شده است؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶-۹۵؛ القدير، ج ۱۰، ص ۲۹۲ - ۲۹۴؛ شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۹، ص ۱۲۵؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۷-۱۴۷۸، ح ۵۸ و ۵۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۲۵۹ و ص ۲۰۴، ح ۴۱۳؛ مسند احمد، ج ۱۲، ص ۲۷۷، ح ۱۵۶۳۶ و ج ۱۳، ح ۱۶۸۱۹.
 ۲. ر.ک: شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹؛ شرح العقاید النسفیة، ص ۱۱۰؛ شرح الفقه الاکبر، ص ۱۷۹.
 ۳. إنما الائمة قوام الله على خلقه و عرفاؤه على عباده، ولا يدخل الجنة إلا من عرفهم و عرفوه و لا يدخل النار إلا من أنكرهم و أنكره (نهج البلاغه، خطبه ۲۵۲).

بِإِمَامِهِمْ ﴿ (اسراء: ۷۱) دانسته است.^۱

در روایات اهل بیت علیهم السلام امامت؛ کلید فرائض اسلامی دانسته شده و تأکید شده است که جایگاه آن از دیگر فرائض اسلامی مانند نماز، زکات، حج و روزه بالاتر است.^۲

امام رضا علیه السلام امامت را خلافت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله، زمام دین و نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان دانسته و امام را چونان خورشید تابانی توصیف کرده است که بر بلندای افق می‌درخشد و همگان از نور و گرمی آن بهره می‌برند؛ ولی دست آنان به آن نمی‌رسد، و حتی دیدگان‌شان توان نگریستن به آن را ندارد.^۳

همه مذاهب اسلامی به اهمیت و ضرورت امامت اذعان می‌کنند، ولی نگرش شیعه به آن استوارتر است؛ زیرا دیگران امامت را از فروع دانسته‌اند؛ اما شیعه امامت را از اصول دین می‌داند.^۴ نگرش برجسته و استوار شیعه به امامت از فهم درست آنان از آیات قرآن، و در پرتو رهنمودهای امامان معصوم اهل بیت علیهم السلام نشأت گرفته است.

مذاهب اسلامی در اینکه امامت رهبری عمومی دنیایی و دنیوی مردم به جانشینی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اتفاق نظر دارند؛ ولی درباره صفات امام و شاخص‌ها و وظایف و شؤون امامت، متفق القول نیستند. شیعه امامیه در این باره دیدگاه ویژه‌ای دارد که آن را از دیگر مذاهب اسلامی، ممتاز می‌کند.

علم کامل و جامع به معارف و احکام دینی، عصمت، توانایی انجام کارهای خارق‌العاده و منصوب و منصوص بودن امام، مهم‌ترین شاخص‌های امامت شیعی

۱. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۲۵.

۲. ر.ک: اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۳. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۵۵.

۴. در این باره ر.ک: امامت در بینش اسلامی، فصل سوم، ص ۴۸-۶۵.

است. این شاخص‌ها در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است و ما در این نوشتار برآنیم که شاخص‌های امامت را که در احادیث امام رضا علیه‌السلام آمده است، نقل و تبیین کنیم.^۱

علم امام

در روایات امام رضا علیه‌السلام درباره علم امام دو نکته جلب توجه می‌کند؛ یکی منشأ علم امام، و دیگری قلمرو علم امام که به بررسی این دو می‌پردازیم:

الف. منشأ علم امام

روشن است که امام در مسایل عادی زندگی، از قوای ادراکی حسی و عقلی خود بهره می‌گیرد؛ ولی خاستگاه علم جامع و کامل او به معارف و احکام دینی و نیز حوادث گذشته و آینده و امور غیر عادی، اسباب عادی معرفت نیست؛ بلکه او از علم افاضی و لدنی برخوردار است؛ چنان‌که از طریق وراثت از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز از سرچشمه علوم نبوی بهره‌مند می‌باشد.

إن الأنبياء و الأئمة عليهم‌السلام يوفقههم الله و يؤتاهم من مخزون علمه و حكمه ما لا يؤتاه غيرهم، فيكون علمهم فوق علم أهل الزمان. (کلینی، ۱۳۳۸ق: ج ۱، ص ۱۵۷)

پیامبران و امامان علیهم‌السلام از توفیق ویژه الهی برخوردارند و خداوند از علم و حکمت مخزون خود چیزی را به آنان عطا می‌کند که به دیگران عطا نمی‌کند؛ در نتیجه، علم آنان از علم مردم عصرشان برتر است.

۱. مفصل‌ترین و جامع‌ترین روایت در این باره، روایتی است که مرحوم کلینی در *اصول کافی*، ج ۱، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، و مرحوم صدوق در *عیون اخبار الرضا علیه‌السلام*، ج ۱، باب ۲۰؛ *امالی*، مجلس ۹۶؛ *کمال الدین*، باب فی نوادر الکتاب، ح ۳۱؛ *معانی الاخبار*، باب معنی الإمام المبین، ح ۲ و مرحوم ابن شعبه حرّانی در *تحف العقول*، باب ما روی عن الإمام الرضا علیه‌السلام و مرحوم مجلسی در *بحار الانوار*، ج ۲۵، باب چهارم، ح ۴ روایت کرده‌اند.

انّ العبد إذا اختاره الله عزوجل لأمر عباده شرح الله صدره لذلك و أودع قلبه ينابيع الحكمة وألهمه العلم إلهاما، فلم يعى بعده بجواب و لا يحير فيه عن الصواب؛ (کلینی، همان؛ صدوق، ۱۴۰۰ق: ص ۵۴۰) هنگامی که خداوند بزرگ، بنده خود را برای رهبری بندگانش برمی‌گزیند، به او شرح صدر می‌دهد و سرچشمه‌های حکمت را در قلبش جاری می‌سازد، و علم را به او الهام می‌کند، در نتیجه او از پاسخ به هیچ پرسشی در نمی‌ماند و از راه درست منحرف نمی‌شود.

در روایت دیگری چند منبع دیگر، برای علم امام بیان شده است:

۱. صحیفه‌ای که در آن، نام شیعیان و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تا قیامت در آن ثبت شده است؛

۲. جامعه و آن صحیفه‌ای است که طول آن، هفتاد ذرع است و همه آنچه مردم [در زمینه احکام دینی] به آن نیاز دارند، در آن گرد آمده است؛

۳. جفر اکبر و اصغر^۱ و نوشته‌ای که همه علوم [احکام شرعی] در آن جای دارد؛ حتی جریمه خراشی که به بدن کسی وارد شود و جرمی که مجازات آن یک تازیانه یا نصف آن است؛^۲

۴. مصحف فاطمه علیها‌السلام و آن کتابی است مشتمل بر علوم و اخباری که جبرئیل علیه‌السلام بر حضرت زهرا علیها‌السلام الهام کرده و به دست علی امیرالمؤمنین علیه‌السلام نوشته شده است و یکی از منابع علوم ائمه علیهم‌السلام می‌باشد.^۳

۵. وراثت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: امام رضا علیه‌السلام در روایت دیگری وراثت از پیامبر

۱. در روایات از آن دو به جفر احمر و ابیض نیز تعبیر شده است. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۸ و ۳۷.

۲. جامعه: کتابی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم املا کرده و امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را نوشته است. این مطلب در روایات بسیاری آمده است. همین کتاب است که همه احکام اسلامی را در بردارد. در روایات از آن با عنوان «کتاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام» یاد شده است. جفر اکبر و اصغر نیز ظرف‌هایی از پوست هستند که صحیفه‌های علمی و سلاح پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که نزد امامان معصوم علیهم‌السلام است، در آن دو جای دارد. ر.ک: عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۸-۵۳.

اکرم علیه السلام را نیز از منابع علم امامان دانسته و فرموده است:

و كل ما أخبر به من الحوادث التي تحدث قبل كونها فذلك بعهد معهود إليه من رسول الله صلی الله علیه و آله و يكون ذلك مما عهد إليه جبرئيل عليه السلام من علماء الغيوب عزوجل؛ (صدوق، بی تا: ج ۱، ص ۲۱۴)

حوادثی را که امام، قبل از آنکه واقع می‌شوند، می‌داند، براساس عهده‌ی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارث برده است و جبرئیل از سوی خداوند بزرگ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سپرده است.

این مطلب که وراثت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از منابع علم امامان علیهم السلام بوده است، در روایات بسیاری بیان شده است.^۱ مقصود از علم وراثتی امامان علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به ویژه در احکام دین - همان کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن حضرت املا کرده و او آن را نوشته است و نزد امامان اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؛ زیرا در روایات، امیرالمؤمنین علیه السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطف شده و گفته شده است: امامان معصوم علم خویش را از پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به ارث برده‌اند.

ب. قلمرو علم امام

در احادیثی که از امام رضا علیه السلام روایت شده - همانند روایات دیگر امامان معصوم علیهم السلام - علم امام، دارای قلمرو گسترده‌ای معرفی شده است و معارف و احکام دینی، حقایق و حوادث طبیعی و تاریخی، سیاست و رهبری جامعه بشری، نسب و ایمان و نفاق افراد، لغت و زبان‌های گوناگون را شامل می‌شود. گستردگی علم امام از روایاتی که درباره منشأ و سرچشمه علم امام نقل کردیم به دست می‌آید؛ زیرا تفصیل احکام دینی در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام که یکی از منابع مهم علوم ائمه علیهم السلام است بیان شده است. چنان که حوادث و اخبار گذشته و آینده نیز در

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۶۲.

مصحف فاطمه علیها السلام و کتاب‌های دیگری که نزد امامان علیهم السلام است، ثبت شده است. علاوه بر آن، آنان از علم لدنی و الهامی نیز برخوردار بوده‌اند. این عبارت امام رضا علیه السلام که فرموده است: «وقتی خداوند فردی را به رهبری مردم برمی‌گزیند، به او شرح صدر می‌دهد و سرچشمه‌های حکمت را در قلب او جاری می‌سازد، و علم و معرفت را به او الهام می‌کند» (کلینی، همان). به روشنی بر قلمرو گسترده علم امام، دلالت می‌کند.

طبق روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام امامان اهل بیت علیهم السلام از حوادث و رخدادها و ایمان و نفاق افراد آگاهند، و همه شیعیان خود را می‌شناسند.^۱

امام هشتم علیه السلام در روایت دیگری فرموده است: «اعمال شیعیان در هر شب و روز بر امام علیه السلام عرضه می‌شود، آن‌گاه به آیه ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا بِسُنَنِ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾ (توبه: ۱۰۶) استشهاد کرد به این بیان که مقصود از «مؤمنون» در این آیه، امامان اهل بیت علیهم السلام است.^۲

ابوالصلت هروی گفته است:

امام رضا علیه السلام با اصناف مختلف مردم با زبان مخصوص آنان سخن می‌گفت. سوگند به خدا! او در هر زبان از دیگران فصیح‌تر سخن می‌گفت. روزی به آن حضرت گفتم: «ای فرزند رسول خدا! من از آگاهی شما به زبان‌ها در شگفتم». امام علیه السلام فرمود: «ای اباصلت! من حجت خدا بر خلق او هستم، و خداوند کسی را که زبان قومی را نمی‌داند، حجت خود بر آنان قرار نمی‌دهد». (صدوق، همان: ج ۲، ص ۲۲۸)

امام رضا علیه السلام درباره علم امام در حوزه رهبری سیاسی جامعه فرموده است:

الامام مضطلع بالإمامة، عالم بالسیاسة؛ (کلینی، همان)

۱. «نحن أمناء الله في أرضه، عندنا علم البلايا و المنايا... و إنا لنعرف الرجل إذا رأيناه بحقيقة الايمان و حقيقة النفاق و إن شيعتنا لمكتوبون بأسمائهم و أسماء آبائهم». (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۴)

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷.

امام در امر رهبری، توانمند و به سیاست و تدبیر امور، جامعه آگاه است. یادآور می‌شویم مناظره‌های امام رضا علیه السلام با عالمان ادیان و مذاهب گوناگون و غلبه بر آنان، دلیل تاریخی روشنی بر علم گسترده امام علیه السلام از یک سو، و ضرورت علم جامع و کامل امام به مسایل مربوط به معارف و عقاید دینی از سوی دیگر می‌باشد.

نکته شایان ذکر در ارتباط با علم امام، اینکه از روایات به دست می‌آید که علم امام به مسایل و امور گوناگون، تابع مشیت و اراده او است؛ یعنی مشیت حکیمانه الهی چنین اقتضا کرده است که اگر امام اراده کند که از چیزی آگاه شود، آگاهی به آن چیز، بی‌درنگ برای امام حاصل خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرموده است: هنگامی که امام اراده کند که چیزی را بداند، خداوند، او را از آن چیز آگاه خواهد کرد. (مجلسی، ۱۳۸۸ق: ج ۲۶، ص ۵۷) از این روایت، سه نکته به دست می‌آید:

الف. گستردگی علم امام و این که او می‌تواند از هر چیزی که بخواهد، آگاه شود؛
ب. علم امام، اکتسابی نیست؛ بلکه افاضی و لدنی است.
ج. علم امام، بالذات نیست؛ بلکه بالغیر است؛ بدین سبب است که در روایات، علم غیب از امام نفی شده است. مقصود از علم غیب در این روایات، علم بالذات است که به خداوند اختصاص دارد.

وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا امام علم غیب دارد؟»، فرمود: «نه؛ ولی اگر اراده کند که چیزی را بداند، خدا او را از آن، آگاه خواهد کرد». (مجلسی، همان)

عصمت امام

یکی از بایستگی‌های امام از دیدگاه شیعه امامیه، عصمت امام از خطا و گناه است. شیخ مفید رحمته الله علیه در این باره گفته است:

امامانی که در اجرای احکام و اقامه حدود الهی و حفظ شرایع و تربیت بشر،

جانشینان پیامبرانند، همانند پیامبران، معصومند و صدور گناه صغیره نیز از آنان روا نیست. آنان در مسایل مربوط به دین و احکام الهی، دچار سهو و نسیان نخواهند شد. این مطلب، مورد قبول همه امامیه است. (حلی، ۱۴۱۴: ص ۱۶۴)

متکلمان شیعه برای لزوم عصمت امام، دلایل عقلی و نقلی بسیاری آورده‌اند.^۱ عصمت، در جایگاه یکی از شاخص‌های مهم امامت در روایات امامان اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد تأکید واقع شده است. اکنون این مسأله را در پرتو روایات امام رضا علیه‌السلام بررسی می‌کنیم:

۱. امام رضا علیه‌السلام در این باره، به آیه **﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾** (بقره: ۱۲۴)

استناد کرده و فرموده است:

این آیه، امامت هر فرد ظالمی را تا روز قیامت، باطل کرده و آن را مخصوص برگزیدگان قرار داده است؛ چنان‌که خداوند به حضرت ابراهیم علیه‌السلام اکرام کرده، امامت را در پاکان از ذریه او قرار داده است:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمَنْ ذُرِّيَّتَهُ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام: ۸۴)؛ امامت در ذریه ابراهیم ادامه یافت، تا به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دستور خداوند، آن را به علی علیه‌السلام سپرد و پس از او در برگزیدگان از ذریه او استقرار و استمرار یافت (کلینی، همان: ص ۱۵۵).

مفاد **﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾** این است که اگر عنوان ظالم در لحظه‌ای از زندگی فردی بر او منطبق شود، شایستگی بهره‌مندی از این عهد الهی (امامت) را نخواهد داشت. از سوی دیگر، کسی که مرتکب گناه شود، ظالم خواهد بود. **﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾** (بقره: ۲۲۹). بنابراین، فقط کسانی شایستگی برخوردار شدن از عهد امامت را دارند که در حال زندگی خود در آشکار و نهان، مرتکب گناه نشوند. چنین فردی، معصوم خواهد بود.

۱. ر. ک: امامت در پیش اسلام، ص ۲۱۳-۲۸۰.

۲. امام رضا علیه السلام در کلام دیگری فرموده است:

کسی که از سوی خدا برای هدایت و رهبری مردم برگزیده شود معصوم، موید، موفق و مسدد است و از خطا و لغزش در امان است. بدین جهت خداوند او را از ویژگی عصمت برخوردار ساخته تا حجت الهی بر مردم باشد. (کلینی، همان: ص ۱۵۷).

۳. در فراز دیگری از کلام امام رضا علیه السلام درباره اوصاف امام آمده است: «الإمام المطهر من الذنوب المبرراً من العيوب»؛ (کلینی، همان: ص ۱۵۶)
امام از گناهان، پاک و از عیوب جسمانی و روحی، پیراسته است.

پاسخ به یک اشکال

اشکالی که معمولاً درباره عصمت امامان علیهم السلام مطرح می‌شود، این است که در دعاهای رسیده از پیشوایان، آنان به خطا و گناه خود اعتراف کرده و از خداوند متعال، آمرزش و بخشش طلب کرده‌اند.

پاسخ اشکال یاد شده، این است که معنای خطا و گناه نسبت به مقام و منزلت افراد، متفاوت است. گنه‌کاری افراد عادی به این است که در انجام واجبات و ترک محرمات دینی، خطا کرده‌اند. گنه‌کاری نسبت به افراد پرهیزگاری که سالها در تهذیب نفس خود کوشیده‌اند، این است که در انجام مستحبات یا ترک مکروهات، کوتاهی کرده‌اند. چه بسا پرهیزگاران یافت می‌شوند که حتی به مستحبات و مکروهات نیز کاملاً پایبندند؛ اما در بهره‌گیری از مباحات از یاد خدا غفلت می‌کنند. این افراد، همین مقدار غفلت را نیز برای خود گناه می‌شمارند و به سبب آن، از خدا مغفرت و بخشش طلب می‌کنند. بالاترین افراد، کسانی‌اند که در این مرحله، دچار غفلت نمی‌شوند؛ اما اشتغالات فردی یا اجتماعی خود را که به صورت طبیعی، مانع از جذبۀ عارفانۀ هنگام عبادت است، نوعی حرمان و جدا افتادگی از معبود می‌شمارند و هنگام دعا و عبادت، اشک فراق می‌ریزند و

می‌گویند: «هبنی صبرت علی عذابک فکیف أصبر علی فراقک».

این، عالی‌ترین درجه بندگی است که انسان در حالی که از هرگونه خطا، گناه و غفلتی در ساحت بندگی خدا پیراسته است، به فقر ذاتی و کاستی عبادت و اطاعت خود برابر کمال و جمال مطلق خدا توجه کرده، اظهار شرمندگی و سرافکندگی می‌کند و بی‌تاب و بی‌قرار می‌شود و چه بسا از خود بی‌خود می‌شود.^۱

افضلیت امام

از دیدگاه شیعه امامیه، افضلیت، یکی از شاخص‌های امامت است. منظور از افضلیت در باب امامت، این است که امام در صفاتی که برای امامت لازم است - مانند علم، تقوا، عبادت، شجاعت، سخاوت، استقامت، حکمت و درایت - بر دیگری برتری داشته باشد؛ زیرا اگر در صفات یاد شده با آنان برابر باشد، امامت او، مصداق ترجیح بدون مرجح است که از نظر عقل، قبیح است و اگر در صفات مزبور، از آنان پایین تر باشد، تقدیم مرجوح بر راجح و مفضول بر فاضل لازم خواهد آمد که آن نیز به حکم عقل و شرع، قبیح است. و چون خداوند از هرگونه فعل ناروایی پیراسته است، دو گزینه مزبور، مورد رضایت و مشیت خداوند نیست و تنها فرض صحیح، این است که امام در صفات امامت، بر دیگران برتر باشد.

آیه کریمه ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس: ۳۵) نیز به این مطلب اشاره دارد.

امام رضا علیه السلام در باره برتری امام بر دیگران فرموده است:

الإمام واحد دهره، لا يدانيه أحد و لا يعادله عالم و لا يوجد منه بدل و لا له مثل و لا نظير؛ امام، یگانه روزگار خویش است؛ کسی در مقام، هم‌سنگ او نیست و همانندی ندارد. (کلینی، همان: ص ۱۵۶)

آن حضرت در حدیث دیگری که نشانه‌های امام را بیان کرده، برتری در

صفات ذیل را از نشانه‌های امام برشمرده است:

۱. أعلم الناس (داناترین مردم)؛
۲. أحکم الناس (حکیم ترین مردم)؛
۳. أتقى الناس (باتقواترین افراد)؛
۴. أحلم الناس (بردبار ترین افراد)؛
۵. أشجع الناس (شجاع ترین مردم)؛
۶. أسخى الناس (باسخاوت ترین مردم)؛
۷. أعبد الناس (عابد ترین مردم)؛
۸. أولى بالناس منهم بأنفسهم (سزاوارتر از مردم نسبت به خودشان است)؛
۹. أشفق علیهم من آبائهم و أمهاتهم (مهربان تر از پدر و مادر افراد نسبت به آنان)؛
۱۰. أشد الناس تواضعاً لله عزوجل (متواضع ترین افراد برابر خداوند)؛
۱۱. أخذ الناس بما يأمره به، فرمان پذیر تر از همه در آنچه که به آن فرمان می‌دهد)؛
۱۲. أكف الناس عما ينهى عنه (خویشترن دارتترین مردم در اجتناب از آنچه از آن نهی می‌کند). (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۳)

استجاب دعا

یکی از شاخص‌های امامت از دیدگاه شیعه امامیه، توانایی بر انجام کارهای خارق العاده است؛ زیرا چه بسا اثبات حقانیت او در ادعای امامت بر انجام آن، متوقف شود.^۱ یا برای دفاع از کیان اسلام و امت اسلامی یا هدایت افراد در شرایطی خاص، انجام کاری خارق العاده ضرورت یابد.

معجزه، کار خارق العاده‌ای است که با عنایت و لطف خاص خداوند از کسی صادر می‌شود، تا دلیل بر صدق ادعای او در نبوت یا امامت باشد. مستجاب الدعوه

۱. و سابعتها اختصاصها بآیات و معجزات تدل علی امامته اذ لا طریق للخلق فی بعض الاوقات الی قبوله الایها. (خواجه نصیرالدین طوسی، تلخیص المحصل، ص ۴۳۱؛ نیز ر.ک: قواعد المرام، ص ۱۸۲)

بودن، از این گونه خوارق عادات است.
 امام رضا علیه السلام آن جا که ویژگی‌های امام را بر شمرده است، مستجاب الدعوه بودن را از آن جمله دانسته و فرموده است:
 ویکون دعاؤه مستجاباً حتی أنه لو دعا علی صخرة لانشقت بنصفین؛
 دعای امام، مستجاب است؛ حتی اگر بر شکافتن سنگ بزرگی دعا کند، دو نیم خواهد شد (صدوق، همان، ج ۱، ص ۲۱۳).
 در حدیث دیگری فرموده است:
 امام را با دو نشانه می‌توان شناخت: علم و استجابت دعا. (صدوق، همان: ص ۲۱۴).

تأیید روح القدس

در احادیث بسیاری که از امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده، آمده است که روح القدس، موجودی است بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه بود و او را تأیید و تسدید می‌کرد. پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، آن روح الهی با امامان معصوم علیهم السلام همراه بوده و آنان را تأیید و تسدید می‌کرده است.^۱

تعدادی از این احادیث در تفسیر آیه ﴿ وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا ﴾ (شوری: ۵۲) روایت شده است.

در جلسه‌ای که امام رضا علیه السلام حضور داشت و مأمون و گروهی از فقها و متکلمان نیز شرکت داشتند، از امام علیه السلام در باب امامت و ویژگی‌های امامان اهل بیت علیهم السلام پرسش‌هایی مطرح شد و امام علیه السلام به آن‌ها پاسخ داد. مأمون از امام رضا علیه السلام خواست تا درباره فضیلتی که خداوند به اهل بیت علیهم السلام اعطا کرده است، مطالب بیشتری بیان کند. امام علیه السلام فرمود:

۱. ر. ک: بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۴۷-۶۹.

خداوند بزرگ، ما را به واسطه روحی مقدس و مطهر از جانب خود تأیید کرده است. این روح الهی، قبل از این با کسی غیر از پیامبر نبوده و او با امامان اهل بیت همراه است و درباره آنان، نقش تسدید و توفیقی ایفا می‌کند. (صدوق، همان: ص ۲۰۰)

این مضمون در حدیث دیگری نیز از آن حضرت روایت شده است.^۱

محدث بودن امام

یکی از ویژگی‌های امام در کلام امام رضا علیه السلام محدث بودن است. «و یكون محدثاً» (صدوق، همان). در حدیث دیگری فرموده است:

الأئمة علماء حلما صادقون مفهّمون محدثون. (مجلسی: ج ۲۶، ص ۶۶)
امامان، عالمان، بردباران، راستگویان و برخوردار از تفهیم و گفت و گوی الهی‌اند.

مقصود از مفهّم و مُحدّث، کسی است که فرشتگان با او سخن می‌گویند و مطالبی را از جانب خداوند به او الهام می‌کنند. از امام باقر علیه السلام سؤال شد چه کسی با امام گفت و گو می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود: فرشته. (مجلسی، همان: ص ۷۰). محدث با رسول و نبی، در شنیدن صدای فرشته، یکسان است؛ ولی در دیدن فرشته با آنان تفاوت دارد؛ زیرا رسول، هم در خواب و هم در بیداری فرشته را می‌بیند و نبی فقط در خواب فرشته را می‌بیند؛ ولی محدث، فقط صدای فرشته را می‌شنود، ولی او را نه در خواب و نه در بیداری نمی‌بیند.^۲

در روایات دیگر، آمده است که امام و محدث نیز چه بسا تمثیل بشری فرشته را در خواب یا بیداری می‌بیند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «أتک تسمع ما أسمع و تری ما أری، و لکنک لست بنبی؛ تو آنچه را من

۱. صدوق، بی‌تا، ص ۲۱۳.

۲. ر. ک: اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵.

می‌شنوم می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم می‌بینی، لیکن تو پیامبر نیستی. (نهج‌البلاغه، خ ۱۹۲) بر این اساس، مقصود از روایات پیشین، این است که هرگاه فرشته مطلبی را که مربوط به احکام دینی است به امام یا محدث، الهام می‌کند، امام و محدث، تمثیل^۱ بشری او را مشاهده نمی‌کند و روایات دسته دوم، مربوط به موارد دیگری است.

سلاح پیامبر ﷺ

در احادیث بسیاری از معصومان علیهم‌السلام روایت شده که یکی از نشانه‌های امامت، این است که سلاح مخصوص پیامبر ﷺ نزد امام می‌باشد. این سلاح، پس از پیامبر نزد امیرالمومنین علیه‌السلام بود و پس از وی امامان دیگر یکی پس از دیگری آن را از آن حضرت به ارث بردند. در روایات، سلاح پیامبر در امت اسلامی با تابوت در قوم موسی مقایسه شده است. تابوت در قوم موسی علیه‌السلام نشانه رهبری الهی بود و سلاح پیامبر ﷺ نیز در امت اسلامی نشانه رهبری الهی است.^۲

امام رضا علیه‌السلام آنجا که نشانه‌های امام را بیان کرده، یکی از آن‌ها را این دانسته است که سلاح پیامبر ﷺ نزد او است:

يكون عنده سلاح رسول الله (صديق، همان: ص ۲۱۳)؛

در حدیث دیگری فرموده است:

سلاح پیامبر ﷺ در میان امت اسلامی همانند تابوت در بنی اسرائیل است. هر جا سلاح باشد، امامت آنجا است. (مجلسی، همان: ج ۲۶، ص ۲۰۳)

۱. ان الإمام لا يرى الحكم الشرعي في المنام و النبي قد يراه و أما الفرق بين الامام و النبي و بين الرسول أن الرسول يرى الملك عند إلقاء الحكم، و النبي غير الرسول و الإمام لا يرى في تلك الحال و ان رايه في سائر الاحوال (بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۸۲؛ مرآة العقول، ج ۲، ص ۲۸۹).

۲. ر. ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۰۱-۲۲۱.

این مضمون، در حدیث دیگری از آن حضرت نیز وارد شده است.^۱

امامت و نص

یکی از شاخصه‌های مهم امامت در مذهب شیعه امامیه، این است که تعیین و تشخیص امام، شرعی است. متکلمان امامیه بر این مطلب، دلایل بسیاری اقامه کرده‌اند.^۲ مهم‌ترین دلیل، آن است که برخی از صفات امام مانند عصمت و علم جامع و کامل به غیر از طریق نص شرعی اعم از قولی و فعلی - ممکن نیست. بر این مطلب، در روایات معصومان علیهم‌السلام تأکید شده است. در حدیثی از امام سجاد علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

امام باید معصوم باشد و چون عصمت، صفت ظاهری نیست که برای مردم قابل شناخت باشد، امام باید منصوص باشد. (صدوق، ص ۱۳۲)

امام رضا علیه‌السلام در حدیث مفصلی که درباره جایگاه، صفات، ویژگی‌ها و شؤون امامت، بیان کرده است بر این که راه تعیین و تشخیص امام، نصب و نص شرعی است، تأکید کرده است:

آیا مردم، قدر امامت و جایگاه آن را می‌شناسند، تا بتوانند او را انتخاب کنند؟ قدر امامت، أجل و شأن آن، عظیم‌تر و مکانت آن، برتر و ژرفای آن، بیشتر از آن است که عقول مردم به آن راه یابد و با رأی و اختیار خویش بتوانند آن را برگزینند. امامت، مقامی است که خداوند پس از مقام نبوت و خلقت به ابراهیم اعطا کرده است و پس از آن که ابراهیم آن را برای ذریه اش خواست، خداوند به او فرمود «که ستمکاران از ذریه اش از آن بهره‌ای نخواهند داشت. بر این اساس، امامت به پاکان و برگزیدگان اختصاص یافت و در ذریه ابراهیم استمرار یافت، تا به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و آن حضرت به فرمان الهی آن را به امیرالمؤمنین علیه‌السلام سپرد و تا قیامت به فرزندان معصوم آن حضرت اختصاص دارد....

۱. همان.

۲. ر ک: امامت در پیش اسلام، ص ۳۰۳-۳۱۷.

امام، امین خدا در زمین و حجت خدا بر بندگان خدا و خلیفه خدا در سرزمین‌های خدا است؛ مردم را به خدا دعوت می‌کند و از حرم الهی دفاع می‌کند.

امام، پاک از گناهان و پیراسته از معایب است.

امام، یگانه روزگار خویش است و کسی همتای او نیست. او همه فضایل را دارا است؛ فضایی که خداوند به او عطا کرده است.

پس چه کسی امام را می‌شناسد و می‌تواند او را انتخاب کند؟! هیئات! اندیشه‌ها از درک مقام امام فرو مانده و خطیبان و شاعران، توان توصیف مقام او را ندارند؛ پس چگونه می‌توانند امام را برگزینند؟

آنان که خود به انتخاب امام روی آورده‌اند، دچار گمراهی شدند و در دام مکر شیطان افتادند. آنان انتخاب خدا و رسولش را رها کرده، به انتخاب خود روی آوردند، در حالی که قرآن روش آنان را تخطئه کرده، می‌فرماید:

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (قصص: ۶۸)؛ پروردگارت آن چه را بخواهد، می‌آفریند و آنچه را بخواهد، بر می‌گزیند. آنان در این باره اختیاری ندارند. خدا از شریکانی که برای او پنداشتند، پیراسته است.

نیز خداوند فرموده است:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ﴾ (احزاب: ۳۶)؛

هنگامی که خدا و رسولش درباره امری حکم و داوری کردند، برای هیچ مرد و زن با ایمانی، در آن باره اختیاری وجود ندارد. [= باید تسلیم حکم خدا و رسول خدا باشند]. (کلینی، همان: ص ۱۵۴-۱۵۶)

نتیجه

امامت مقام و منصبی الهی است که جز انسان‌های برگزیده‌ای که از ویژگی عصمت و علم جامع و کامل به دین و آیین رهبری برخوردارند، شایسته آن نخواهند بود. آنان امامان دوازدهگانه شیعه امامیه‌اند که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دستور خدای سبحان به امت اسلامی معرفی کرده است.

منابع:

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالسیاقه للعلوم، ۱۴۲۱ق.
۲. احمد بن محمد بن حنبل، المسند، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
۳. امینی، عبدالحسین، الغدير، قم، مركز الغدير للداراسات الاسلاميه، ۱۴۲۱ق.
۴. بحرانی، ابن میثم، قواعد المراد، قم، مكتبه المرعشي، ۱۴۰۶هـ.
۵. تفتازانی، سعدالدین، شرح العقائد النسفیة، بی جا، مطبعة مولوی محمد عارف، ۱۳۶۴ق.
۶. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۹ق.
۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۷۸م.
۸. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، قم، منشورات مكتبه بیروتی، ۱۳۹۴ق.
۹. حلی، حسن بن سدیدالدین، كشف المراد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۰. حلی، حسن بن سدیدالدین، نهج الحق و كشف الصدق، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ربانی گلپایگانی، علی، امامت در بینش اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۸ق.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، الامالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ق.
۱۳. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، انتشارات جهان، بی تا.
۱۴. _____، کمال الدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۵. _____، معانی الاخبار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۶. طوسی، نصیرالدین، تلخیص المحصل، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۱۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۸۴ش.
۱۸. قاری، علی بن سلطان، شرح الفقه الاکبر، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، المکتبه الاسلامیة، ۱۳۳۸ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.
۲۱. _____، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ش.
۲۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.